روبروی رسول الله صلی الله علیه وسلم می خوابیدم چنانکه پاهایم در سمت قبله ی ایشان قرار می گرفت. هنگامی که می خواست سجده کند، با انگشتانش به آرامی مرا متوجه می کرد و من پاهایم را جمع می کردم. و چون بلند می شد، پاهایم را دراز می کردم. در آن زمان، چراغی در خانه ها وجود نداشت.

از عایشه رضی الله عنها روایت است که می گوید: روبروی رسول الله صلی الله علیه وسلم می خوابیدم چنانکه پاهایم در سمت قبله ی ایشان قرار می گرفت. هنگامی که می خواست سجده کند، با انگشتانش به آرامی مرا متوجه می کرد و من پاهایم را جمع می کردم. و چون بلند می شد، پاهایم را دراز می کردم. در آن زمان، چراغی در خانه ها وجود نداشت.
[صحیح است] [متفق علیه]

عایشه رضی الله عنها می گوید: روبروی رسول الله صلی الله علیه وسلم می خوابیدم و ایشان نماز شب می خواند؛ چون خانه ی ما کوچک بود، پاهایم در محل قبله، بین ایشان و محل سجده قرار می گرفت. مادامی که رسول الله صلی الله علیه وسلم در حال قیام بود، پاهایم را دراز می کردم اما هنگامی که قصد سجده داشت، با انگشتانش به آرامی مرا متوجه می کرد و من پاهایم را جمع می کردم تا رسول الله صلی الله علیه وسلم سجده کند؛ و اگر ایشان را می دیدم که می خواهد سجده کند، بدون اینکه مرا متوجه کند، پاهایم را جمع می کردم. اما در خانه های ما چراغی وجود نداشت که با نور آن رسول الله صلی الله علیه وسلم دیده شود و بدون اشاره ی رسول الله صلی الله علیه وسلم پاهایم را جمع کنم و دیگر نیازی به اشاره ی ایشان نباشد.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/5217